

بررسی موقعیت دانش تمدن‌شناسی در تمدن اسلامی

دکتر محمد باغستانی کوزه‌گر^۱

چکیده

تاریخ تمدن اسلامی از به ثمر رسیدن دانش‌های گوناگون حکایت دارد که سرشتی از جنس مراحل این تمدن یافته‌اند. به همین اعتبار می‌توان از دانش‌های مرحله پیدایش و دوره شکوفایی و روزگار انحطاط تمدن اسلامی یاد کرد. در این میان بررسی تاریخ پیدایش دانش تمدن‌شناسی نشان می‌دهد که این دانش در مرحله انحطاط تمدن اسلامی شکل گرفته و چهارچوب‌های خود را شناخته است. با توجه به اینکه دوره انحطاط تمدن اسلامی را نیز می‌توان به مرحله‌های نخستین و میانه و معاصر تقسیم کرد، پیدایی نخستین متن دانش تمدن‌شناسی در مرحله اول دوره انحطاط و توقف این دانش در دوره میانه انحطاط و پیدایی دومین و سومین نظریه‌پردازی علمی در دانش تمدن‌شناسی در دوره معاصر انحطاط تمدن اسلامی، نکته‌های قابل تأملی دارد. موضوع این مقاله، بررسی پیشینه‌های نظری و عملی گوناگون پیدایش دانش تمدن‌شناسی در تمدن اسلامی و توقف شش سده‌ای آن پس از پیدایش، در میان دانشوران مسلمان است. **کلیدواژه‌ها:** تمدن اسلامی، دانش تمدن‌شناسی، ابن خلدون، کنستانتین زریق، مالک بن نبی.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۳

درآمد

بررسی تاریخ علوم در تمدن اسلامی از این حقیقت پرده برمی دارد که همه دانش‌ها زمینه و مرحله‌هایی را برای شکل گرفتن در قالب یک دانش پشت سر گذاشته‌اند و همین تفاوت در پیدایش زمینه‌ها در ظهور زودتر و دیرتر هریک از آنها تأثیرگذار بوده است. شماری از دانش‌ها به دلیل زمینه‌های مرتبط با موضوع و کارکرد خود زودیاب‌تر و شماری از دیگر دانش‌ها دیریاب‌ترند. آسان یا دشوار بودن موضوعات و مسائل هریک از دانش‌ها، کاربردی بودن یا نظری بودن آن‌ها، و نیز در دسترس بودن یا نبودن دانش‌های شکل گرفته در تمدن‌های دیگر به هنگام شکل‌گیری یک تمدن نو، اقتباس از دانش‌های تمدن‌ها در عصر شکوفایی یا روزگار انحطاط آن‌ها، می‌تواند تأثیر بسزایی در سرنوشت دانش‌های پیدا شده در تمدن جدید داشته باشد. تمدن‌شناسی از دانش‌های پسینی در جهان است که به ویژه در سده اخیر رونق و شهرت فوق‌العاده‌ای یافته است. در غرب پیشینه این نگرش هر چند در قالب دانش فلسفه از گذشته‌های دور وجود داشته است، اما از سده هجدهم میلادی این دانش جان تازه گرفت و به ظهور نظریه‌های گوناگونی چون «چرخه دوری تمدن‌ها» ویکو، «تاریخ‌گرایی» هردر، «نسبت دولت و تمدن» هگل، «فصل‌های تمدن‌ها» اشپنگلر، «قهرمانان تمدن‌ساز» آرنولد توئین بی، «روح معنوی تمدن» فوکویاما، «برخورد تمدن‌ها» هانتینگتون^۱ انجامید. اما در تمدن اسلامی، این دانش با ابن خلدون در سده ۸ ق/ ۱۵ م متولد شد که فاصله‌ای هفتصد ساله با جریان پیدایش علوم در تمدن اسلامی (در سده اول هجری) و چهارصد ساله با دوره شکوفایی تمدن اسلامی (سده چهارم و پنجم هجری) داشته است. از سوی دیگر پیگیری این دانش از سوی دانشوران با کنستانتین زریق لبنانی و مالک بن نبی الجزایری ششصد سال بعد در سده ۱۴ ق/ ۲۰ م در جهان اسلام دنبال شده است. بنابراین می‌توان وضعیت دانش تمدن‌شناسی در تمدن اسلامی را در چهارچوب مقاطع تاریخی زیر بررسی کرد:

۱. بهمن، شعیب، تمدن ایرانی - اسلامی، ص ۳۸ - ۶۸.

۱. تمدن‌شناسی پیش از ظهور اصطلاحی آن در تمدن اسلامی

تمدن‌شناسی پیش از آنکه به عنوان دانشی مستقل در تمدن اسلامی مطرح شود دوره‌هایی گوناگون را پشت سر گذاشته تا به رتبه دانش مستقل دست یافته است که شناخت این دوره‌ها می‌تواند به شناخت این دانش کمک بیشتری نماید.

ظهور پیشینه نظری تمدن‌شناسی

اندیشه تاریخ‌نگری: (قرآن): یکی از پیشینه‌های مهم نظری در دانش تمدن‌شناسی توجه به اندیشه و دانش تاریخ است؛ چرا که در قالب این اندیشه و دانش است که نگره‌های کلان به جهان هستی ظهور می‌کند. در تمدن اسلامی پیشینه این اندیشه نخستین بار در قرآن کریم مطرح شد. قرآن کریم در کنار پرداختن به موضوعات متنوع دینی، چنان که در همه متون مقدس مرسوم است، بخش قابل توجهی از آیات خود را به موضوعات تاریخی اختصاص داد تا زمینه پیدایش اندیشه‌های تاریخ‌نگری را در میان مسلمانان فراهم آورده باشد. استفاده از واژه عبرت، پس و پیش از نقل رخدادهای تاریخی، سنت‌های ثابت تاریخ و سرگذشت جمعی امت‌ها، نمونه‌های مهم نخستین اندیشه‌های تاریخ‌نگری در قرآن هستند.

ظهور پیشینه‌های عملی تمدن‌شناسی

داده‌های تاریخی: (سیره): پس از اندیشه‌ها نوبت داده‌های تاریخی است تا با پیدایش خود گامی دیگر برای پیدایش دانش تاریخ را فراهم آورند. این مهم را به طور عمده در

۱. بیش از ۱۲۰۰ آیه به موضوعات تاریخی در قرآن اختصاص یافته است.

۲. بنگرید به: یوسف/۱۱۱؛ ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾.

۳. بنگرید به: فاطر/۴۳؛ ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّةَ الْأُولِينَ فَلَنْ نَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ نَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾.

۴. در قرآن کریم سرگذشت امت‌های گوناگون یاد شده است؛ مثلاً: نوح و امت او در سوره اعراف، آیات

(۶۸-۵۹) و... ابراهیم و امت او، بقره (۱۲۴-۱۳۴، ۲۵۸-۲۶۰) و...؛ لوط و امت او، سوره انبیاء

(۷۷-۷۴) و...؛ شعیب و امت او، سوره هود (۸۴-۹۵).

تاریخ اسلام، سیره پیامبر گرامی اسلام تأمین کرد؛^۱ چرا که دومین منبع فهم اسلام بود. به همراه پرداختن به سیره نبوی، داده‌های تاریخی فراوانی هم گردآوری شد و حجم انبوهی را فراهم آورد تا دست‌مایه تدوین تاریخ نگاران گردد.

فتوحات اسلامی

پس از رحلت پیامبر ﷺ شرایط سیاسی به گونه‌ای پیش رفت که زمینه‌های انجام حملات نظامی داخلی در جنگ‌های رده و سپس عصر موسوم به فتوحات اسلامی را رقم زد. در این دوره تاریخی (۱۱۴-۱۲ق) مسلمانان با انجام حملات نظامی پیاپی از شبه جزیره بیرون آمدند و به مناطق همجوار آن چون شام، ایران، مصر، مغرب، اندلس و سرزمین فرانک‌ها هجوم بردند. این قلمرو گسترده در بخش‌های بزرگی از قاره‌های آسیا، آفریقا و جنوب اروپا قرار داشت. با پایان یافتن این فتوحات گسترده، جهان اسلام شکل گرفت و زمینه‌های آشنایی مسلمانان با ملت‌ها و فرهنگ‌های آنان فراهم گردید و با از میان رفتن مرزهای جغرافیایی و سیاسی جهان باستان،^۳ ارتباطات بین‌المللی گسترده شد و اندیشه جهانی در میان مسلمانان نیز رونق گرفت.

نهضت ترجمه

با آشنایی مقدماتی مسلمانان با جهان بزرگ بیرون از شبه جزیره عربستان زمینه آگاهی آنان از دانش‌های دیگر ملت‌ها فراهم شد و عشق به دانش، نهضت بزرگ ترجمه را به راه انداخت که از نیمه سده دوم تا پایان سده سوم به مدت یک و نیم قرن به طول

۱. پیامد توجه به سیره پیامبر ﷺ پیدایش کتاب‌هایی در سده اول و دوم با عنوان مغازی شد که مقدمه تاریخ‌نگاری اسلامی را فراهم آورد. بنگرید به: زین العابدینی، رمضان، تاریخ‌نگاران و مکتب‌های تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۳۱-۶۵.

۲. ترمزینی، عبدالسلام، *ازمنه التاريخ الاسلامی*، ج ۱، ص ۲۹-۱۵۴. در جدول‌های ویژه به سال‌های این فتوحات و دستاوردهای آنها پرداخته است.

۳. مراد مرزهای امپراتوری ایران و روم است که جهان باستان را به دو بخش تقسیم کرده بودند و فتوحات اسلامی آنها را به هم ریخت.

انجامید و همراه خود شمار زیادی از اندیشه‌های گوناگون ملت‌های متمدن ایرانی، رومی، هندی، یونانی و جزآنان را از راه ترجمه وارد جهان اسلام کرد^۱ و زبان عربی را پس از گذار از مرحله بومی به مرحله دینی، وارد فراخنای جهانی کرد و به زبان علم تبدیل نمود.

۲. ظهور اندیشه‌ها و دانش‌های همسو با تمدن‌شناسی

با واری آرایی شماری از دانشوران مسلمان سده‌های سوم تا هفتم می‌توان دریافت که مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و دانش‌های همگن و همسویا شکل‌گیری دانش تمدن‌شناسی ظهور یافت که به آنها پرداخته می‌شود:

اندیشه‌های دولت‌شناسی

یکی از اندیشه‌ها و دانش‌های مرتبط با دانش تمدن‌شناسی، اندیشه‌های مرتبط با نظام سیاسی و یا دولت‌شناسی است که از سده نخست اندیشه‌هایی درباره این موضوع در میان مسلمانان وجود داشته است. امام علی علیه السلام نخستین کسی است که از ضرورت برپایی دولت و نظام سیاسی برای همه جوامع بشری فارغ از پایبندی یا ناپایبندی آن به عدالت یاد کرده و کارکردهای چهارگانه (گردآوری مالیات، برقراری امنیت، مقابله با دشمن و برپایی عدالت)^۲ را برای آن برشمرده و در نامه مشهور به عهدنامه مالک اشتر در هنگام انتصاب او به امارت مصر، از فلسفه نظام اداری و گروه‌هایی چون سپاهیان،^۳ و راز پایداری آنان،^۴ قاضیان، کاتبان و کارگزاران و نقش آنان در دوام سپاه و پرداخت‌کنندگان

۱. گوتاس، دیمیتری، تفکریونانی، فرهنگ عربی، نهضت ترجمه کتاب‌های یونانی به عربی در بغداد و جامعه آغازین عباسی (قرن‌های دوم تا چهارم/هشتم تا دهم)، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، ص ۲۸-۳۵؛ ۴۰-۴۸؛ ۷۵-۸۵.

۲. «لابد للناس من امیر برّ او فاجر، یعمل فی امرته المؤمن ویستمتع فیها الکافر ویبلّغ الله فیها الأجل و یجمع به الفیء و یقاتل به العدو و تأمن به السبل و یؤخذ به للضعیف من القوی حتی یستریح برّ و یستراح من فاجر»؛ نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، خطبه ۴۰، ص ۸۲-۸۳.

۳. «فالجندو باذن الله: حصون الرعیة و زین الولاة و عزّ الدین و سبل الأمن»؛ همان، نامه ۵۳، ص ۴۳۲.

۴. «ثم لا قوام للجندو الا بما یخرج الله لهم من الخراج»؛ همان جا.

مالیات^۱ و نیز وابستگی همه گروه‌های یاد شده به صنعت و بازرگانی^۲ و اهمیت رعایت طبقه فرودست از سوی حکومت^۳ و ارتباط کامل میان دریافت مالیات و آبادانی^۴، عدالت‌ورزی در جلب حمایت مردم^۵ و ستمگری به عنوان مهم‌ترین عامل سقوط دولت یاد کرده است.

در سده سوم هجری وصیت‌نامه طاهر بن حسین (م ۲۰۷ ق) مضمون سخنان امام علی علیه السلام را با خود در قالب پند و اندرز همراه دارد. در این متن نیز از اهمیت مسئولیت حاکم در آگاهی از احوال مردم و رسیدگی به آنان و تأثیر این اقدام بر بقای دیانت^۶ و نیز عدالت‌ورزی بر رفتار مردم و توسعه درآمدها و آبادانی‌ها^۷ سخن به میان آمده است. در سده پنجم قمری ماوردی (م ۴۵۰ ق) از شش قاعده اصلی و مؤثر در ایجاد جهانی آباد (متمدن) که زمینه ساخت آخرتی آباد است یاد کرده و دین پیروی شونده و آثار نیکوی آن در جامعه،^۸ حاکم مقتدر و جایگاه او در مقابله با بیدادگری،^۹ عدالت‌گستری و تأثیر آن بر نظام زندگی،^{۱۰} امنیت عمومی با بررسی آثار ترس بر زندگی مردم،^{۱۱} تولید پر رونق محصولات

۱. «ثم لا قوام لهذين الصنفين الا بالصنف الثالث من القضاة والعمال والكتاب لما يحكمون من

المعاهد ويجمعون من المنافع ويؤتمنون عليه من خواص الأمور وعوامها»؛ همان، ص ۴۳۶.

۲. «ولا قوام لهم جميعاً الا بالتجار وذوى الصناعات»؛ همان‌جا.

۳. «ثم الطبقة السفلى من اهل الحاجة والمسكنة الذين يحق رفدهم ومعونتهم...»؛ همان‌جا.

۴. «وليكن نظرك في عمارة الأرض أبلغ من نظرك في استجلاب الخراج لان ذلك لا يدرك الا بالعمارة»؛ همان‌جا.

۵. «ان افضل قرة عين الولاة استقامة العدل في البلاد ولظهور مودة الرعية»؛ همان، ص ۴۳۳.

۶. «وليس شىء ادعى الى تغيير نعمة الله وتعجيل نعمته من إقامة على ظلم»؛ همان، ص ۴۲۹.

۷. مقدمه ابن خلدون، ص ۲۰۶.

۸. همان، ص ۳۰۸.

۹. ماوردی، ابوالحسن، ادب الدنيا والدين، ص ۱۳۶.

۱۰. همان، ص ۱۳۷.

۱۱. همان، ص ۱۴۱.

۱۲. همان، ص ۱۴۴.

کشاورزی و بررسی فقدان آن بر زندگی مردم^۱ و طراحی بلندمدت برای آبادانی^۲ را برشمرده است.

اندیشه‌های مردم‌شناسی

اندیشه‌های مردم‌شناسی از نخستین اندیشه‌های مرتبط با دانش تمدن‌شناسی است که در تمدن اسلامی ظهور کرد؛ چرا که این دانش بر روی یکی از مهم‌ترین عناصر ساخت تمدن که مردم هستند تمرکز می‌کرد. جاحظ (م ۲۵۵ ق) از نخستین شخصیت‌هایی است که در این موضوع قلم زد. او شکل‌گیری جوامع انسانی را با محوریت مردم‌شناسی در پنج اصل «نیاز مردم»^۳، «تداوم دشمنی‌ها با وجود تداوم نیازها در جوامع بشری»^۴، «صلح‌گرایی در روابط اجتماعی مردم»^۵، «اصالت اختلاف در زندگی مردم»^۶، «نسبیت استعدادهای مردم در جوامع گوناگون»^۷ و ارتباط آن با تدبیر خداوند^۸ بیان کرد و عوامل اختلاف^۹ و پیامدهای آن را در

۱. همان، ص ۱۴۵-۱۴۶.

۲. همان، ص ۱۴۶.

۳. جاحظ، عمرو بن بحر، *الحيوان*، ج ۱، ص ۴۲-۴۳.

۴. او دلایلی چون پیشه‌های گوناگون مردم و منافع متضاد آنان را از دلایل اثبات این اصل دانسته است. همان، ص ۹۶.

۵. او برای اثبات این اصل از دلایلی چون وطن‌دوستی مردم و واقعیت‌های گوناگون زندگی آنها سود برده است. همان، ص ۱۰۱.

۶. جاحظ برای اثبات این اصل، ظهور این اختلاف را در نمادهایی چون طبع، پیشه‌ها، پوشش‌ها، وطن، رنگ پوست، زبان، دین، آداب و رسوم یاد کرده است. همان، ص ۷. فرهنگ و تمدن را دلیل قرار داده است. *الحيوان*، ج ۱، ص ۱۰۱، ۱۳۷، ۱۰۰؛ *الرسائل الكلامية*، ص ۹۹-۱۰۰، ۱۳۸-۱۳۹؛ *الرسائل السياسية*، ص ۵۵۴؛ ۵۵۶، ۵۰۸، ۵۰۹، ۱۵۰؛ *البيان والتبيين*، ج ۳، ص ۹۰، ۹۲، ۹۵.

۷. *الرسائل السياسية*، ص ۵۰۸.

۸. *الرسائل الكلامية*، ص ۱۳۷.

۹. جاحظ از مشیت الهی، محیط زیست، زمان و تمایلات مردم به عنوان عوامل اختلاف یاد کرده است. (*الرسائل الكلامية*، ص ۹۹، ۱۳۸، ۸۸).

زندگی مردم نیز برشمرد. او به معرفی ملت های روزگار خود پرداخت و توانایی ها و ناتوانی های هر یک از آنان را برشمرد و در پایان، چهار ملت عرب، هند، فارس و روم را در آداب و اخلاق و حکومت و دانش، سرآمد دیگران خوانده است.^۲

دانش تاریخ شناسی

دانش تاریخ نیز از دانش های زودپیدا شده در تمدن اسلامی است. سیره پیامبر ﷺ و فتوحات اسلامی سریع که در یک سده انجام شد داده های مهمی را برای مسلمانان فراهم آورد. نخست رساله های کوچک در قالب تک نگاری های تاریخی پیدا شد، سپس کتاب های بزرگ تاریخی تدوین گردید^۴ و سرانجام نوبت تدوین تاریخ های جهانی در تمدن اسلامی شد.^۵

دانش سیاست شناسی

یکی از دانش های مرتبط با تمدن شناسی دانش سیاست است که موضوع آن، علل و عوامل پایداری و ناپایداری دولت هاست که از محورهای مهم مباحث تمدنی نیز به شمار می آمد. از سده سوم به بعد با همین عنوان می توان کتاب هایی را در میان مسلمانان دید که حکایت از شکل گیری این دانش دارد. کتاب هایی چون *تدبیر الملک و السياسة سهل بن هارون الدستیمسانی* (م ۲۱۵ق)، *سیاسة الملوك أبی دلف العجلی* (م ۲۲۵ق)، کتاب *السیاسة یا سیاسة الصغیر احمد بن محمد بن الطیب السرخسی* (م ۲۸۶ق)، رساله

۱. او همچنین بقای نشانه ها، پایداری معاملات، معطل ماندن بخش بزرگی از طبیعت، پیدایی و پایایی و پویایی تمدن ها و کاهش جنگ ها (*الرسائل الکلامیه*، ص ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۰۰) را از پیامدهای وجود اختلاف در میان مردم یاد کرده است.

۲. ملت های مورد توجه جاحظ عبارت اند از: یونانی ها، چینی ها، هندی ها، اعراب، ترکان و ایرانی ها. *الرسائل السیاسیه*، ص ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۵۶، ۵۱۱؛ *الرسائل الکلامیه*، ص ۱۸۴.

۳. زین العابدین، رمضان، *تاریخ نگاران و مکتب های تاریخ نگاری در اسلام*، ص ۱۰۱-۱۵۶.

۴. همان، ص ۱۵۷-۲۲۵.

۵. منابعی مانند *مروج الذهب* مسعودی که تاریخ جهانی به شمار می آید.

السياسة الملوكيه عبيدالله بن عبد الله بن الطاهر الخزاعي (م ٣٠٠ق)، كتاب السياسة والأمرء حسين بن منصور الحلاج (م ٣٠٩ق)، ادب السلطان والرعية ابوسهل احمد بن سهل نوبختي (م ٣٢٢ق)، كتاب السياسة قدامة بن جعفر بن قدامة البغدادي (م ٣٣٧ق)، كتاب السياسة السلطانية يا سياسة للملك احمد بن محمد بن يعقوب مسكويه (م ٤٢١ق)، نصيحة الملوك وتسهيل النظر وتعجيل الظفر وقوانين الوزارة وسياسة الملك، سه كتاب ماوردي، سراج الملوك والخلفاء ومنهاج الولاة والأمرء وتدير الملك والدول، هر سه از ابوبكر طروشى (م ٥٢٠ق) را مى توان از مهم ترين كتاب هاى اين دانش به شمار آورد.^١ در اين ميان مى توان به دیدگاه هاى طروشى در موضوع بحث اشاره کرد که از «ضرورت برپايى حاکميت در جامعه با وجود خوى تجاوزگري در انسان»،^٢ «فوايد وجود يك حاکم مقتدر»،^٣ «ارکان اصلى حکومت (نهاد قضا، نيروى انتظامى، اداره ماليات، پست) و ارتباط ميان اين نهادها با يکديگر»،^٤ «ويژگى هاى سه گانه مدارا، مشورت، کارگزاران عادل نشانه هاى يك حاکميت خوب»،^٥ «بنیاد دوام دولت ها»،^٦ و «دلایل سقوط حکومت ها مانند ظلم، ناتوانی سپاه و تکبر حاکم»^٧ یاد کرده است.

دانش جغرافياشناسی

دانش جغرافيا از آن جهت که مى تواند زمينه تحليل هاى کلان از موقعيت هاى زندگى مردمان گوناگون را در محيط هاى طبيعى متفاوت فراهم آورد از دانش هاى مرتبط با دانش تمدن شناسى است. اقليم پهناور جهان اسلام با آب و هواى متفاوت يکى از زمينه هاى

١. عبد الحميد، صائب، فلسفة التاريخ فى الفكر الاسلامى، ص ٢٠٠-٢٠٢.

٢. طروشى، محمد بن وليد، سراج الملوك، ص ١٥٦.

٣. همان، ص ١٥٧.

٤. همان، ص ١٦٩.

٥. همان جا.

٦. همان، ص ١٧٠-١٧١.

٧. همان، ص ٤١٦-٤٢٠.

بود که به مسلمانان در پرداختن به جغرافیا کمک کرد و سفرهای فراوان همراه با یادداشت‌های گوناگون که در یک صد سال نخست به طور عمده در قالب فتوحات اسلامی شکل گرفت نخستین کتاب‌های با محتویات دانش جغرافیا را فراهم آورد. فتوح البلدان بلاذری از نخستین این کتاب‌هاست. سپس سفرنامه‌هایی چون صورة الارض ابن حوقل و احسن التقاسیم مقدسی به وصف جغرافیایی مناطق گوناگون پرداختند. سرانجام این اطلاعات جغرافیایی انبوه توانست در سده هفتم به یک دائرةالمعارف بزرگ جغرافیایی جهانی تبدیل گردد. در این کتاب همه شهرها و آبادی‌های بزرگ و کوچک جهان اسلام شکل گرفته در سه قاره آسیا و آفریقا و اروپا در قالب مدخل‌هایی مرتب شده بر اساس حروف الفبا تنظیم شدند و یاقوت حموی همه اطلاعات جغرافیایی و فرهنگی و تاریخی مرتبط با یک منطقه را گرد آورد و نام آن را معجم البلدان نهاد و جنبه جهانی به دانش جغرافیا بخشید.

اندیشه‌های فلسفه تاریخ‌شناسی

یکی دیگر از اندیشه‌ها و دانش‌های مرتبط با دانش تمدن‌شناسی، فلسفه تاریخ است که در آن دلایل ظهور و سقوط دولت‌ها یاد می‌شود و نشانه‌هایی از آن را می‌توان تا پیش از ظهور ابن خلدون در میان دانشوران مسلمان دید. در سده سوم یعقوبی (م ۲۹۲ق) مورخ معروف در دورساله دیگر به نام‌های مشکاة الناس لزمانهم با بررسی ویژگی‌های شماری از خلیفگان تأثیر آنان را بر زندگی مردم وصف کرده است.^۱ همو در کتاب البلدان با وصف شرایط آب و هوایی گوناگون از تأثیر آن بر خلق مردم سخن گفته است.^۲ مسعودی (م ۳۴۶ق) با برخورداری از دانش گسترده در علوم گوناگون و نیز سفرهای فراوان و فهم اهمیت آن^۳ و نیز نگرش عقلی به رخدادهای تاریخی و معیارهایی برای نقد گزارش‌های

۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، مشکاة الناس لزمانهم، ص ۲۸۹.

۲. همو، البلدان، ص ۱۹-۲۰.

۳. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۰۴.

تاریخی،^۱ به حوزه دانش فلسفه تاریخ ورود یافت و از موضوعات مهمی چون «پیدایش آفرینش و انسان اولیه و جامعه نخستین»،^۲ «جوامع هفت‌گانه نخستین و معیار تمایز آنها از یکدیگر»^۳ و تقسیم آنها به جوامع بزرگ و اصلی و کوچک و تابع،^۴ «تأثیر محیط طبیعی بر آبادانی و اخلاق مردم»،^۵ «قوانین دولت و حکومت و نشانه‌های انحطاط و پیشرفت آنها»،^۶ «مقایسه میان تمدن‌ها»^۷ و «آینده‌پژوهی»^۸ یاد کرد. در سده چهارم اخوان الصفا هم ظهور کردند و در ۵۲ رساله از الهیات و فلسفه و طبیعیات و نجوم و اخلاق سخن گفتند و آنان به دلیل باور بر تأثیر نجوم بر زندگی بشری دیدگاه‌هایی نزدیک به فلسفه تاریخ داشتند و موضوعاتی چون «اهداف آفرینش انسان و استعداد های او»،^۹ «راز تفاوت اخلاق مردم»،^{۱۰} «دلایل رخداد های جهان و تأثیر نجوم بر آنها»،^{۱۱} «نظام دوره‌ای در جهان»،^{۱۲} «کیفیت پیدایش جهان کثرت از عالم وحدت»،^{۱۳} «توجیه نظریه ادوار تاریخ

۱. همان جا.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۳۶-۴۳۷ و ج ۳، ص ۳۳۴-۳۳۶.

۳. همو، التنبیه والاشراف، ص ۶۷-۷۳.

۴. همو، مروج الذهب، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۸، ۱۹۲، ۲۱۲؛ ج ۲، ص ۲۷۳، ۲۷۵.

۵. همان، ج ۲، ص ۵۳۷.

۶. همو، التنبیه والاشراف، ص ۳۶؛ مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۰.

۷. مسعودی در این باره میان چند تمدن مقایسه کرده است؛ شرایط چین در مروج الذهب، ج ۱، ص ۹۵ و

خلافت اسلامی در التنبیه والاشراف، ص ۳۴۶-۶۷.

۸. همو، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۲۴-۳۲۵.

۹. رسائل اخوان الصفا، الرسالة التاسعة، ج ۱، ص ۲۹۷.

۱۰. همان، ج ۱، ص ۲۹۹.

۱۱. همان، ج ۳، ص ۲۵۰.

۱۲. همان، ج ۳، ص ۲۵۹.

۱۳. همان، رساله ۲۹، ج ۳، ص ۳۶.

۱۴. همان، ج ۳، ص ۵۰۰.

مورد بحث و بررسی قرار دادند. در سده پنجم ابوعلی مسکویه (م ۴۲۱ق) ظهور کرد و توانست میان اطلاعات تاریخی و فلسفی خود جمع کرده و به بررسی موضوعاتی چون «دلایل پیدایش جامعه انسانی»،^۱ «پیدایش کشورها»،^۲ «تحول کشورها و تمدن‌ها»،^۳ «تأثیر دین در نظام اجتماعی»^۴، «شرایط نابودی تمدن»^۵، «تأثیر محیط بر انسان و تاریخ»^۶ پردازد. اندکی پیش از ظهور ابن خلدون (م ۸۰۸ق)، ابن طباطبا (م ۷۰۹ق) معروف به ابن طقطقی پیدا شد و از «زمینه‌های اقتدار و انحطاط دولت‌ها»^۷ در کتاب معروف خود سخن گفت. به نظر می‌رسد که پس از پیدایش اندیشه‌ها و دانش‌های مرتبط با تمدن‌شناسی تا سده هشتم ظهور دانش مستقل تمدن‌شناسی همه پیشینه‌ها و زمینه‌های لازم را برای تولد یافته بود.

۳. ظهور دانش تمدن‌شناسی در تمدن اسلامی

پس از گذشت هفت سده از پیدایش تمدن اسلامی و گذر آن از مراحل گوناگونی چون شکوفایی و انحطاط و پیدایش اندیشه‌ها و دانش‌های همگن، سرانجام دانش تمدن‌شناسی نیز در تمدن اسلامی ظهور کرد و موضوع و مسائل و قواعد خود را شناخت که چکیده دیدگاه‌های بنیان‌گذار آن مطرح می‌گردد:

ابن خلدون، بنیان‌گذار دانش تمدن‌شناسی

تمدن‌شناسی به صورت یک دانش مستقل با ظهور ابن خلدون و تدوین کتاب المقدمه‌اش ظهور کرد. به تعبیر صائب عبدالحمید، اندیشه‌های تمدنی ابن خلدون و

۱. مسکویه، احمد بن محمد، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ص ۵۳، ۴۹ و ۱۲۸.

۲. همو، الهوامل و الشوامل، ص ۳۴۷.

۳. همان، ص ۲۵۰.

۴. همو، تهذیب الاخلاق، ص ۱۲۸.

۵. همان، ص ۱۲۹.

۶. همان، ص ۶۲-۶۳ و ۷۸.

۷. ابن طباطبا، محمد بن علی، الفخری فی الآداب السلطانیة والدول الاسلامیة، ص ۲۵، ۳۲-۳۵ و ۵۲.

تبدیل آن به دانش تمدن‌شناسی، پیامد سه واقعیت به نام‌های فرهنگ غنی اسلامی، مرحله تاریخی زیست او و نبوغ فکری خود است.^۱ همین پژوهشگر منابع مورد استفاده ابن خلدون را توضیح داده^۲ و با ارائه دیدگاه‌های مورخان پیش از ابن خلدون درباره دانش تاریخ؛ مانند یعقوبی، مسعودی، بیرونی، ابن فندق، ابن طقطقی، صفدی و سبکی،^۳ نوآوری‌های تاریخ‌نگاری ابن خلدون را در موضوعاتی چون توجه به «خطاهای ده‌گانه تاریخ‌نگاران»^۴ «قانون‌ها»^۵ و ابزارپنج‌گانه^۶ نقد گزارش‌های تاریخی، «تعریف دانش تاریخ و ارکان و شیوه عملی آن»^۷ بررسی کرده است. اما اصطلاح علم‌العمران یا تمدن‌شناسی از ابداعات مهم ابن خلدون است که توانست به این دانش هویت ببخشد. ابن خلدون موضوعاتی چون «ضرورت اجتماع بشری»^۸ و «حاکمیت»^۹ را در شکل‌گیری تمدن مهم دانسته و از عوامل «محیطی و تأثیرهای گوناگون آن بر تمدن یک منطقه»،^{۱۰} «تأثیر خشکی و حاصلخیزی منطقه‌ای بر وضع مردم»^{۱۱} یاد کرده و از عوامل درونی یک جامعه که بر وضع تمدنی آنان مؤثر است با عنوان‌هایی چون «حاکمیت عادت‌ها و تقلیدها»^{۱۲} «عوامل چهارگانه بروز عادت و تقلید در جامعه (تربیت، تسلیم به دولت، شجاعت و ترس،

۱. عبدالحمید، صائب، *فلسفة التاريخ فی الفكر الاسلامی*، ص ۲۹۸.

۲. همان، ص ۳۰۲-۳۱۰.

۳. همان، ص ۳۱۷-۳۲۲.

۴. همان، ص ۳۲۳-۳۲۶.

۵. همان، ص ۳۲۹-۳۳۰.

۶. همان، ص ۳۳۱.

۷. همان، ص ۳۳۲-۳۳۴.

۸. ابن خلدون، عبدالرحمان، *المقدمة*، ص ۴۲-۴۳.

۹. همان جا.

۱۰. همان، ص ۵۰-۵۱.

۱۱. همان، ص ۸۷.

۱۲. همان، ص ۹۰.

پیروی مغلوب از شخص غالب»^۱، «عصبیت و عوامل پیدایش آن»^۲ و «دین و جایگاه آن در تقویت دولت» نام برده و به مراحل تحول جامعه بدوی به جامعه متمدن نیز پرداخته و از «ارتباط مرحله بدویت با مرحله تمدنی» سخن گفته^۳ و «چگونگی تحول از جامعه بدوی به جامعه متمدن»^۴ را تبیین نموده است. عوامل گسترش قلمرو یک حکومت را در «توحش، دین و شمار جمعیت»^۵ محصور دانسته و دو ویژگی جامعه متمدن را «گسترش نظام اداری»^۶ و «تولید صنایع و ابداع دانش‌ها»^۷ به شمار آورده است. همچنین از ویژگی همه حکومت‌ها با عنوان‌هایی چون «تمامت خواهی، مصرف فراوان امکانات و خوشگذرانی»^۸ نام برده و نظام‌های سیاسی را به سبک «استبدادی، قانونی و دینی»^۹ تقسیم کرده و درباره ادوار یک تمدن از دوره‌هایی چون «برپایی، استبداد، رفاه، تثبیت و ریخت و پاش‌های فراوان»^{۱۰} یاد کرده تا سیر ظهور و شکوفایی و انحطاط یک تمدن را نشان دهد و سرانجام در مبحث مربوط به انحطاط تمدن‌ها از نشانه‌هایی چون «کم‌درآمدی دولت‌ها و گسترش ستم»^{۱۱} سخن به میان آورده است. به این ترتیب دانش تمدن‌شناسی با ظهور ابن‌خلدون متولد شد و موضوع و مسائل و چهارچوب‌های خود را شناخت.

۱. همان، ص ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۴۷ و ۲۹۹.

۲. همان، ص ۱۲۸.

۳. همان، ص ۱۵۸.

۴. همان، ص ۱۲۵.

۵. همان، ص ۱۳۹-۱۴۰.

۶. همان، ۱۵۱، ۱۵۴ و ۱۶۳.

۷. همان، ص ۲۳۵-۲۵۶.

۸. همان، ص ۴۰۰-۴۰۳.

۹. همان، ص ۱۶۶-۱۶۸.

۱۰. همان، ص ۳۰۲-۳۰۳.

۱۱. همان، ص ۱۳۶-۱۳۷؛ ۱۷۵-۱۷۶.

۱۲. همان، ص ۲۸۲-۲۸۳.

۴. وضعیت دانش تمدن‌شناسی پس از ظهور آن در تمدن اسلامی

ابن خلدون هر چند بنیان دانش تمدن‌شناسی را در تمدن اسلامی گذاشت، اما با توجه به شرایط عمومی جهان اسلام که پس از حمله ویرانگر مغولان (سده ۷ هجری) و سپس تیموریان (سده ۸ هجری) و نیز سقوط اندلس در پایان سده‌ای که ابن خلدون از دنیا رفت عصر انحطاط نام گرفت،^۱ این دانش به طور تخصصی کمتر دنبال شد. جهان اسلام گرفتار تجزیه‌طلبی‌ها گردید و هم‌زمان عصر رنسانس در اروپا آغاز شد. از سده سیزدهم هجری / نوزدهم میلادی که دستاوردهای فکری در قالب مکتب‌های نظری چون لیبرالیسم، دموکراسی، سوسیالیسم، و ملی‌گرایی ظهور کردند و دستاوردهای علمی ارتباطی نو نیز مانند کشتی بخار (۱۲۲۲ق/ ۱۸۰۷م)، چاپخانه جدید (۱۲۲۷ق/ ۱۸۱۲م)، قطار (۱۲۲۹ق/ ۱۸۱۴م)، ریل (۱۲۴۵ق/ ۱۸۳۰م)، آهن‌ریا (۱۲۴۶ق/ ۱۸۳۱م)، تلگراف (۱۲۵۳ق/ ۱۸۳۷م)، دوربین عکاسی (۱۲۵۵ق/ ۱۸۳۹م)، تلفن (۱۲۷۷ق/ ۱۸۶۱م) و سینما (۱۳۱۲ق/ ۱۸۹۵م)^۲ ابداع شد، دوران موسوم به عصر استعمار نیز آغاز گردید و هجوم اروپائیان به جهان اسلام انجام شد و مناطق گوناگونی چون مصر، شبه قاره هند، قلمرو آسیایی و آفریقایی خلافت عثمانی به تصرف دولت‌هایی چون انگلستان و فرانسه درآمدند. در این شرایط تاریخی، نهضت مقابله با هجوم استعمارگران در جهان اسلام شکل گرفت و شخصیت‌هایی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، رشید رضا، کواکبی، خیرالدین تونسلی، ابن عاشور و مالک بن نبی، افکار و ایده‌های اصلاحی تازه مطرح کردند^۳ که موضوع تمدن، بخشی از افکار آنان بود که در ادامه به مهم‌ترین نمونه‌ها اشاره می‌شود:

سید جمال‌الدین اسدآبادی، مصلح و مبدع جریان تمدن‌نگری

سید جمال‌الدین اسدآبادی مستقیم به موضوع تمدن اسلامی نپرداخته، اما به اصول

۱. سقوط اندلس در سال ۸۹۷ق رخ داد، در حالی که ابن خلدون به سال ۸۰۸ق درگذشته بود.

۲. یار شاطر، احسان، حضور ایرانیان در جهان اسلام، ص ۱۱۵-۱۱۷.

۳. تونسلی، خیرالدین، اقوام المسالک فی معرفة احوال الممالک، با مقدمه محمد الحداد، ص ۲۸.

۴. همان، ص ۱۹.

زیربنایی آن اشاره‌های آشکاری دارد. او از نگرش تاریخی به «علل و عوامل فراز و فرود ملت‌ها»^۱ و «اهمیت شناخت آنها»^۲ و تعریف دانش تاریخ به «بررسی تحولات فراز و فرود ملت‌ها و ویژگی رخدادهای بزرگ و پیامدهای آنها براندیشه و اخلاق و کردار مردمان»^۳، کوشش برای فهم «سنت‌های تاریخ از قرآن و قواعد و قوانین آن»^۴ و نام‌گذاری آن به «علم سنن الهیه»^۵ که به دانش فلسفه تاریخ و نیز تمدن‌شناسی بسیار نزدیک شده، حکایت داشته است. سید جمال‌الدین اسدآبادی با این نگرش خود توانست مکتب فکری ویژه‌ای در میان روشنفکران مسلمان ایجاد کرده، بر همه متفکران پس از خود تأثیر بگذارد^۶ و موقعیت دانش تمدن‌شناسی را از طریق ارتقای موقعیت دانش‌هایی چون تاریخ و فلسفه تاریخ بالا برد. هر چند او به دانش تمدن‌شناسی ورود علمی نیافت، اما توانست جریان علمی توجه به موضوع تمدن را در جهان اسلام ابداع کند. از میان روشنفکران مسلمان متأثر از دیدگاه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی می‌توان به خیرالدین تونسسی اشاره کرد که در دولت عثمانی‌ها صاحب منصب بود و به اروپای سده ۱۹ سفرهای فراوانی داشت و کتاب *اقوم المسالک فی معرفة أحوال الممالک* از خود به یادگار گذاشت. او در این کتاب یک دوره تاریخ اروپا و کشورهای اروپایی را که به آنها سفر کرده گزارش داده است^۷، اما توجه او به موضوع تمدن اسلامی و پیشینه‌اش و کوشش برای

۱. افغانی، جمال‌الدین و محمد عبده، *العروة الوثقی*، ص ۵۴.

۲. همان، ص ۵۵.

۳. همان، ص ۱۹۳.

۴. همان، ص ۵۵.

۵. همان، ص ۱۷۲.

۶. دکتر صائب، عبدالحمید در فصلی از کتاب *فلسفة التاريخ فی الفكر الاسلامی*، با عنوان علم السنن

الالهية آن را تشریح کرده است. ص ۵۴۳-۵۷۰.

۷. تونسسی، خیرالدین، *اقوام المسالک*، ص ۵-۱۵.

توصیف وضعیت کنونی آن و نیز مقایسه موقعیت تمدنی اروپای سده ۱۹ با جهان اسلام سده ۱۳ قمری و استنادهای مکرر او به ابن خلدون و دیدگاه‌های تمدنی وی، او را از کسانی قرار داده که کوشیده پرتوی بروضعیت تمدن اسلامی در دوران خودش بیندازد و راه‌های برون‌رفت از آن شرایط ناگوار تمدنی مسلمانان را بیان نماید و این در اندازه خود می‌توانسته به توسعه اندیشه در باب دانش تمدن‌شناسی در تمدن اسلامی کمک نماید، به ویژه که او از معیار مقایسه میان دو تمدن هم سود برده است.^۱

کنستانتین زریق، تمدن پژوه لبنانی

در سده چهاردهم هجری / بیستم میلادی کنستانتین زریق لبنانی (د. ۱۹۶۴م) و مالک بن نبی الجزایری ظهور کردند و به طور مستقل به دانش تمدن‌شناسی پرداختند. کنستانتین زریق در کتاب *فی معركة الحضارة* در فصل‌های گوناگون به موضوعاتی چون «اهمیت بینش تمدنی و پیامدهای آن»،^۲ «چیستی و شرایط پیدایش تمدن‌ها»،^۳ «تمدن‌های گوناگون یا تمدن یکتای انسانی»^۴ «نمادهای تمدنی»،^۵ «بنیادهای تمدن‌ها»،^۶ «تحول شناسی تمدن‌ها»،^۷ «علل تحول تمدن‌ها»،^۸ «تعاملات متقابل تمدن‌ها»،^۹ «معیارهای

۱. همان، ص ۴۵-۷۵.

۲. زریق، کنستانتین، *فی معركة الحضارة*، ص ۱۵-۲۶؛ زریق، قسطنطین، *الاعمال الفكرية العامة*، ج ۲.

۳. زریق، کنستانتین، *فی معركة الحضارة*، ص ۲۷-۴۲.

۴. همان، ص ۴۳-۶۲.

۵. همان، ص ۶۳-۸۶.

۶. همان، ص ۸۷-۱۰۸.

۷. همان، ص ۱۰۹-۱۳۰.

۸. همان، ص ۱۳۱-۱۵۴.

۹. همان، ص ۱۵۵-۱۷۹.

تمدن‌شناسی»،^۱ «رابطه پیشرفت با تمدن» و «وضعیت تمدنی معاصر»^۳ پرداخته است. او پس از این خلدون در جهان اسلام دومین شخصیتی است که در باره فلسفه تمدن و دانش تمدن‌شناسی سخن گفته و کوشیده تا چهارچوب این دانش را تشریح نماید.

مالک بن نبی، تمدن‌پژوه الجزایری

مالک بن نبی (م ۱۹۷۳م) تمدن‌پژوه معاصر نیز سومین شخصیتی است که در جهان اسلام به این موضوع پرداخت و کوشید تا دیدگاه تازه‌ای را مطرح کند و عمر خویش را به شرح و توضیح آن اختصاص دهد. به گفته دکتر صائب عبدالحمید شرایط تاریخی ظهور او که در آن حرکت اصلاحی در جهان اسلام جان گرفته بود تأثیر فراوانی بر وی نهاد. او به شدت متأثر از نگرش اجتماعی سید جمال‌الدین اسدآبادی به دین بود و از آرای عبدالرحمان کواکبی و محمد اقبال نیز بهره‌ها برد و اندیشه نخستین وهابیت نیز برای او جالب بود و دو شخصیت هندی به نام‌های تاگور و گاندی نیز تأثیر فوق‌العاده‌ای بر او نهادند و او را متوجه ابعاد جهانی فرهنگ و نیز سیاست عدم خشونت و کاربرد آن در جهان معاصر ساختند. مالک بن نبی با توجه به تاریخ به عنوان منبع شناخت قوانین تحول، ضمن استفاده از اندیشه‌های مسعودی، مسکویه و ابن خلدون از آرای فلسفی و فلسفه تاریخ و علوم اجتماعی و روان‌شناسی جدید غربی هم سود برد و دیدگاه نورا ابداع کرد.^۴ او در نظریه خود به بازسازی چهارمفهوم «تاریخ»،^۵ «جامعه»،^۶ «تمدن»^۷ و

۱. همان، ص ۱۸۳-۲۰۸.

۲. همان، ص ۲۰۹-۲۳۶.

۳. همان، ص ۲۵۵-۲۷۲.

۴. صائب، عبدالحمید، فلسفة التاريخ في الفكر الاسلامي، ص ۴۰۳-۴۰۶.

۵. ابن نبی، مالک، تأملات، ص ۱۳۰.

۶. ميلاد المجتمع، ص ۱۳.

۷. همان، ص ۹۴.

«فرهنگ»^۱ پرداخت و نتیجه گرفت که «جامعه متمدن از جامعه غیرمتمدن تنها با معیار پویایی و تحرک قابل شناخت است و فرهنگ روابط میان ابزارها و زمینه‌های ایجاد حرکت در یک نظام اجتماعی است و براین اساس تاریخ هم مجموعه حرکت‌هایی است که فرهنگ در جامعه به وجود می‌آورد تا بتواند در نمای تمدنی جامعه بازتاب یابد».^۲ او مشکل همه جوامع را مفهوم تمدن دانسته که ذهن او را در یک چهارم عمرش به خود مشغول داشته است.^۳ او در نظریه خود از شرایط عمومی پیدایش یک تمدن سخن به میان آورده و آنها را در عواملی چون «فرهنگ و عناصر چهارگانه درون انسان، جهان افکار انسانی، جهان اشیاء و جهان طبیعت»،^۴ و «ارتباط انسان با چهار پدیده پیشین»،^۵ و با محوریت «اندیشه دینی با بعثت پیامبران»^۶ و «محیط زندگی انسانی از نظر طبیعی و اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر جامعه انسانی»^۷ و «استعدادهای انسانی»،^۸ یاد کرده و سپس «عناصر سه‌گانه تمدن: انسان، خاک و زمان»^۹ و ترکیب آنها را در تمدن‌سازی شرح داده است. او عامل دین را با منطق روان‌شناسی و در سه ساحت «ساخت توان روحی، توان اعمال اراده و همراهی آن با جامعه» در شمار کنش‌های تاریخی تمدن‌ساز قرار داده است.^{۱۰} همچنین از «اندیشه نجات‌بخشی و جایگاه منجی» در ساخت تمدن یاد کرده و

۱. همو، شروط النهضة، ص ۸۹.

۲. عبدالحمید، صائب، همان، ص ۴۲۴.

۳. الخطیب، سلیمان، فلسفة الحضارة عند مالک بن نبی، ص ۳۷.

۴. ابن نبی، مالک، مشكلة الثقافة، ص ۶۲.

۵. همان جا.

۶. همان، ص ۷۹.

۷. همان، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۸. همان، ص ۸۹.

۹. همو، تأملات، ص ۱۷۱.

۱۰. همو، ميلاد المجتمع، ص ۶۵-۷۴.

شواهد تاریخی آن را نیز نشان داده است.^۱ او همچنین از سه مرحله تمدن‌ها یاد کرده که عبارت‌اند از مرحله پیدایش، مرحله گسترش و شکوفایی و مرحله انحطاط و فروپاشی و آن را در تمدن‌های اسلامی و رومی و شوروی و چین نشان داده است^۲ و نتیجه گرفته که آن هنگام که تسلط روحی مفاهیم دینی بر یک تمدن کاسته شده و دوره حاکمیت عقل بر آن فرا می‌رسد غریزه‌های انسانی به سوی رهایی حرکت کرده و بر عقلی که دیگر از سوی مفاهیم عالی دینی حمایت نمی‌شود چیره می‌شوند و مرحله انحطاط فرا می‌رسد.^۳ دیدگاه مالک بن نبی در دانش تمدن‌شناسی چنان به کمال رسیده که زمینه مقایسه میان آرای او و ابن خلدون را به عنوان بنیان‌گذار دانش تمدن‌شناسی در تمدن اسلامی برای پژوهشگری چون دکتر صائب عبدالحمید فراهم آورده تا بتواند تفاوت‌ها و تشابه‌های این دو تمدن‌پژوه بزرگ در تاریخ تمدن اسلامی را بررسی نماید.^۴ مالک بن نبی از فلسفه «قانون ظهور و سقوط تمدن‌ها»^۵ و فایده فهم «حرکت تاریخ در شناخت موقعیت جامعه انسانی»^۶ و «استناد حرکت تاریخ به حرکت انسان»^۷ با توجه به اختیار او هم یاد کرده است. پس از او دکتر حسین مونس (م ۱۹۷۷م) نیز کتاب الحضارة، دراسة فی اصول و عوامل قیامها و تطورها را نگاشت.

دکتر علی شریعتی، تمدن‌پژوه ایرانی

دکتر علی شریعتی (م ۱۳۵۶ ش / م ۱۹۷۸م) اندیشمند شهیر ایرانی که در زمینه‌های گوناگون موضوعات تاریخی و دینی سخنرانی داشته و سپس آنها به کتاب تبدیل شده

۱. همو، تأملات، ص ۱۳۶-۱۳۹.

۲. همو، شروط النهضه، ص ۵۸.

۳. همان، ص ۷۷-۷۸.

۴. عبدالحمید، صائب، فلسفة التاريخ فی الفكر الاسلامی، ص ۴۶۲.

۵. ابن نبی، مالک، شروط النهضه، ص ۵۵.

۶. همان، ص ۵۲.

۷. همان، ص ۵۸.

است، دو جلد کتاب با عنوان تاریخ تمدن دارد که هر چند نگاهی تاریخی به پیدایش تمدن‌ها دارد، اما موضوعات قابل توجه مرتبط با دانش تمدن‌شناسی را جسته و گریخته می‌توان در مجموعه سخنرانی‌های او یافت. «تعریف تمدن»،^۱ «چگونگی تبدیل دستاوردهای مادی به معنوی در تمدن‌ها»،^۲ «عوامل پیدایش تمدن»،^۳ «موضوع انتساب تمدن به نژادها، اقوام، جهات جغرافیایی و ادیان»،^۴ «تفاوت‌های تمدن قومی با تمدن جهانی»،^۵ «رابطه شهرنشینی و تمدن»،^۶ «ویژگی‌های تمدن‌شناسی غربی»،^۷ «مبدأ پیدایش تمدن‌ها»،^۸ «مراحل شناخت تمدن‌ها»،^۹ «جایگاه اسطوره و کارکرد آن در تمدن‌ها»^{۱۰} و سرانجام «ویژگی‌های تمدن معاصر»^{۱۱} از مهم‌ترین این موضوعات هستند.

استاد مرتضی مطهری، تمدن پژوه روحانی

در همین دوره استاد مرتضی مطهری (شهادت ۱۳۵۹ ش / ۱۹۸۱ م)، روحانی و فیلسوف ایرانی هم مجموعه جلساتی درباره موضوع فلسفه تاریخ برپا کرد که با عنوان فلسفه تاریخ به چاپ رسید، اما در این مجموعه نیز موضوعات مطرح و مرتبط با دانش تمدن‌شناسی به

۱. شریعتی، علی، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴-۶.

۲. همان، ص ۸-۷.

۳. همان، ص ۹-۱.

۴. همان، ص ۱۴.

۵. همان، ص ۱۷.

۶. همان، ص ۱۸.

۷. همان، ص ۲۵-۳.

۸. همان، ص ۶۲.

۹. همان، ص ۸۵-۹۲.

۱۰. همان، ص ۹۸-۱۰۰.

۱۱. همان، ج ۲، ص ۲۵۹-۲۶۷.

فراوانی دیده شده است. «بررسی عوامل تحول در تاریخ»،^۱ «نقش نوابغ در حرکت تاریخ»،^۲ «تأثیر عوامل محرک در تاریخ بر یکدیگر»،^۳ «تکامل تاریخ»،^۴ «فلسفه تاریخ مارکسیسم»،^۵ «سرمایه داری»^۶ «سوسیالیسم»^۷ و «تاریخ و جامعه در قرآن»^۸ هر چند عنوان تمدنی ندارند و نگرش استاد مطهری نیز فلسفی است، اما بخش‌های مهمی از مباحث تمدنی را در درون خود دارا هستند.

پس از این دوره نیز تحولات مهم دیگری در جهان اسلام رخ داده و اندیشه‌هایی در عرصه بازسازی و احیای تمدن نوین اسلامی مطرح شده است، اما هیچ یک به یک نظریه و دیدگاه روشن درباره دانش تمدن‌شناسی منجر نشده است، هر چند در سده ۱۵ قمری نیز کوشش‌های خُرد در موضوع تمدن‌شناسی انجام شده که تازه‌ترین آنها در ایران از سوی پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی با عنوان **جستاری نظری در باب تمدن**، در سال ۱۳۸۶ ش/ ۲۰۰۷ م به چاپ رسیده و نویسندگان ضمن تأکید بر کاستی‌های بزرگ در پژوهش‌های مرتبط با تمدن‌شناسی به ویژه در ایران^۹ کوشیده‌اند تا دانش تمدن‌شناسی را در قالب عنوان‌هایی چون «مفهوم تمدن»،^{۱۰} «سازه‌های تمدن»،^{۱۱} «سیستم تمدنی»،^{۱۲}

۱. مطهری، مرتضی، فلسفه تاریخ، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۶۰-۶۵.

۳. همان، ص ۶۶-۶۸.

۴. همان، ص ۱۹۹-۲۴۰.

۵. همان، ص ۲۶۴-۳۶۸.

۶. همان، ص ۶۶۹-۷۱۹.

۷. همان، ص ۷۲۳-۷۵۸.

۸. همان، ص ۷۶۳-۹۳۴.

۹. همان، ص ۸۱۳.

۱۰. همان، ص ۲۳-۵۷.

۱۱. همان، ص ۵۸-۷۶.

۱۲. همان، ص ۷۷-۸۷.

«ماهیت مطالعات تمدن‌شناسی»،^۱ «روش‌ها و رویکردها در شناخت تمدن»^۲ و «قلمرو تمدن‌شناسی»^۳ را در عرصه پژوهش مطرح نمایند.

نتیجه

۱- تمدن‌شناسی برای رسیدن به بلوغ و یافتن چهارچوب‌های یک دانش در تمدن اسلامی، دوره‌هایی از پیدایش اندیشه‌هایی در حوزه موضوعات تمدنی، یافتن شرایط آگاهی جهانی از راه فتوحات گسترده در قاره‌های سه‌گانه آسیا، آفریقا و اروپا و ظهور اندیشه‌ها و دانش‌های همسو و همسایه با دانش تمدن‌شناسی مانند مردم‌شناسی، دولت‌شناسی، سیاست‌شناسی، تاریخ‌شناسی، جغرافیاشناسی و فلسفه تاریخ‌شناسی در سطح منطقه‌ای و جهانی را پشت سر گذاشت تا در سده هشتم قمری به ثمر نشست و اصول و چهارچوب‌های خود را شناخت و توسط ابن خلدون با نام علم‌العمران معروف شد.

۲- از نظر دوره‌های حیات تمدن اسلامی، دانش تمدن‌شناسی در مرحله‌ای به بار نشست که تمدن اسلامی مراحل پیدایش (سده‌های دوم و سوم هجری) و شکوفایی (سده‌های چهارم و پنجم هجری) و ظهور عوامل داخلی انحطاط مانند مقابله با دانش‌های عقلی (نیمه دوم سده پنجم تا پایان نیمه اول سده هفتم هجری) و بروز عوامل بیرونی انحطاط مانند هجوم صلیبی‌ها و مغولان (از سده ششم تا نیمه دوم سده هفتم) را به چشم دیده بود و در سده هشتم هم شاهد هجوم‌های ویرانگر تیموریان به جهان اسلام و سقوط بخش‌هایی از قلمرو اروپایی جهان اسلام در اندلس بود.

۳- ظهور این دانش در مرحله انحطاط تمدن اسلامی به دلیل تجزیه جهان اسلام و از میان رفتن محور وحدت بخش خلافت اسلامی و از دست رفتن امید به آینده روشن نتوانست در زمانه خود به کار مسلمانان افتد و سوویه گذشته‌گرایی به خود گرفت و در

۱. همان، ص ۸۸-۹۲.

۲. همان، ص ۹۳-۱۲۱.

۳. همان، ص ۱۲۲-۱۲۵.

حکم مرثیه‌ای برای تمدن اسلامی شد. بهترین دلیل رشد نیافتن این دانش، نپرداختن دیگر دانشوران مسلمان به این موضوع است؛ چنان که هرگز مقدمه ابن خلدون در روزگار معاصر یا نزدیک به خود مورد توجه قرار نگرفت و شرحی بر آن نوشته نشد و درباره موضوع تمدن‌شناسی تألیف دیگری نگارش گردید.

۴- همچنین از میان رفتن نگرش جهانی اندیشه‌وران مسلمان و فرورفتن آنان در بینش‌های محلی و بومی و بی‌توجهی کامل به جهان جدید غربی که توانسته بود به عصر رنسانس برسد، از مهم‌ترین دلایل دنبال نشدن این دانش از سوی دانشورانی شد که پس از حمله مغول، عمده وقت خود را در مسیر احیای دانش‌های خُرد روزگارِ پیش از حمله مغول به کار گرفتند.

۵- با گذشت شش سده از ظهور ابن خلدون و پیدایش دانش تمدن‌شناسی در تمدن اسلامی تنها در سده ۱۴ قمری / ۲۰ میلادی که کنستانتین زریق در لبنان و مالک بن نبی در مغرب اسلامی به موضوع تمدن‌شناسی پرداختند و هر یک از این دو تن، دگر باره دانش تمدن‌شناسی را بازشناسی و همه ارکان آن را از نو و به تناسب موقعیت جدید جهان اسلام و تمدن غربی در آن سده باز تعریف کرده و مالک بن نبی حتی طرحی برای ساخت تمدن جهانی اسلام ارائه کرد.

۶- در سیر تحولات دهه شصت شمسی در ایران که به پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ انجامید زمینه‌های مربوط به پرداختن به دانش تمدن‌شناسی بیشتر فراهم شد و شخصیت‌هایی چون دکتر شریعتی و استاد مطهری ظهور کردند و آثاری در این باره از خویش بر جای نهادند. در جهان عرب نیز شهید آیه‌الله سید محمد باقر صدر و امام موسی صدر به این موضوع جسته و گریخته پرداختند. اما نگرش تمدنی، دگر بار روی به افول نهاد و در حجم نوشته‌های مربوط به این دانش تحول محسوسی به وجود نیامد و بنابراین، نظریه نو و تازه‌ای نیز پیدا نشده است.

۱. امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، مؤسسه دارالهیجره، تهران، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن خلدون، عبد الرحمان، المقدمه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۸م.
۳. ابن نبی، مالک، تأملات، دارالفکر، بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۱م.
۴. _____، شروط النهضة، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۷م.
۵. _____، مشکلة الثقافة، ترجمه عبدالصبور شاهین، دارالفکر، بیروت، ۱۹۸۹م.
۶. _____، میلاد المجتمع، ترجمه عبدالصبور شاهین، دارالفکر، بیروت، ۱۹۸۹م.
۷. اخوان الصفا، رسائل اخوان الصفا، الدارالاسلامیة، بیروت، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م.
۸. ابن طباطبا، محمد بن علی بن محمد بن رمضان، الفخری فی الآداب السلطانیة والدول الاسلامیة، تحقیق ممدوح حسن محمد، مكتبة الثقافة الدینیة، مصر، بی تا.
۹. افغانی، جمال الدین، و محمد عبده، العروة الوثقی، دارالکتاب العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۳۸۹ق.
۱۰. بهمن، شعیب، تمدن ایرانی، اسلامی از افول تا احیاء، انتشارات تیسسا، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.
۱۱. ترمانی، عبدالسلام، ازمنه التاریخ الاسلامی، جامعة الكويت، ۱۹۸۲م.
۱۲. تونسسی، خیر الدین، اقوام المسالك فی معرفة أحوال الممالک، با مقدمه محمد الحداد، دارالکتاب المصری، قاهره - دارالکتاب اللبنانی، بیروت، ۲۰۱۲م.
۱۳. جاحظ، عمرو بن بحر، البیان والتبیین، تحقیق عبدالسلام هارون، مكتبة الخانجی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۱۴. _____، الحيوان، تعليق عیون سود، محمد باسل، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
۱۵. _____، الرسائل، قدم له و بوبها و شرحها علی ابوالملحم، دار مكتبة الهلال، ۱۹۸۷م.
۱۶. جمعی از نویسندگان، جستاری نظری در باب تمدن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۶ش.
۱۷. الخطیب، سلیمان، فلسفة الحضارة عند مالک بن نبی، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۳م.
۱۸. زریق، قنسطنطین، الأعمال الفکریة العامة، مرکز دراسات الوحدة العربیة - مؤسسه عبدالحمید شومان، بیروت، چاپ سوم، ۲۰۰۱م.
۱۹. زین العابدینی، رمضان، تاریخ نگاران و مکتب های تاریخ نگاری در اسلام، انتشارات چاپخش، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۲۰. شریعتی، علی، تاریخ تمدن، مجموعه آثار ۱۲، تهران، ۱۳۵۹.
۲۱. طرطوشی، ابوبکر محمد بن الولید، سراج الملوك والخلفاء ومنهاج الولاة والامراء وتدبیر

۲۲. *الدول*، تحقیق جعفر البیاتی، ریاض الریس للکتب والنشر، چاپ اول، ۱۹۹۶م.
۲۳. عبد الحمید، صائب، *فلسفة التاريخ فی الفكر الاسلامی*، دراسة مقارنة بالمدارس الغربية الحديثة والمعاصرة، دارالهادی للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۷م.
۲۴. گوتاس، دیمیتری، *تفکر یونانی، فرهنگ عربی، نهضت ترجمه کتاب های یونانی به عربی در بغداد و جامعه آغازین عباسی (قرن های دوم تا چهارم/ هشتم تا دهم)*، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۲۵. ماوردی، ابوالحسن، *أدب الدنيا والدين*، تحقیق مصطفی السقا، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ چهارم، ۱۳۹۸ش/ ۱۹۷۸م.
۲۶. مسعودی، علی بن حسین، *التنبیة والاشراف*، تحقیق عبدالله اسماعیل الصاوی، دارالصاوی للطبع والنشر والتألیف، قاهرة، بی تا.
۲۷. _____، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق یوسف البقاعی، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۲م.
۲۸. مسکویه، احمد بن محمد، *تجارب الامم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران ۱۹۸۷م.
۲۹. _____، *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۰. _____، *الهوامل والشوامل*، تحقیق احمد امین و سید احمد صقر، قاهرة، ۱۳۷۰ق.
۳۱. مطهری، مرتضی، *فلسفه تاریخ*، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴ش.
۳۲. یعقوبی، أحمد بن اسحاق، *البلدان*، تحقیق محمد امین ضناوی، منشورات محمد علی بیضون، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۲۰۰۲م.
۳۳. _____، *مشاکلة الناس لزمانهم*، تحقیق ولیام ملورد، دارالکتب الجدید، بیروت، ۱۹۸۰م.